

دو موضوع علمی با کاربرد علمی و اخلاقی از خاطرات دوران سربازی
موضوع اول: دخالت وانیل و مشتقات آن در آزمایش تندی کرایس
(تشخیص آلدیید اپی هیدریک در روغن کهنه)

در بهار ۱۳۴۹ در آخرین ماه‌های خدمت سپاه بهداشت که به عنوان
مسؤل آزمایشگاه شیمی مواد غذایی انجام وظیفه می‌کردم اطلاع یافتم که
پیش از من ظاهراً بیش از یک‌بار از ویفر مینو نمونه‌برداری شده بود و
مسؤلین قبلی آزمایشگاه با انجام آزمایش مهم و کیفی تندی کرایس، حکم به
کهنگی و فساد روغن موجود در ویفر و به تبع آن ناسالم بودن ویفر مذکور
داده بودند که طبعاً این حکم برای فروشندگان محلی مشکلاتی را به بار آورده
بود. نمونه دیگری از ویفر را که برای بررسی به اینجانب داده بودند بعد از
استخراج روغن ویفر با حلال و تبخیر حلال، مورد آزمایش قرار دادم، اگرچه
بجز آزمایش تندی کرایس، سایر آزمایش‌ها غیر طبیعی نبودند، مع الوصف
پس از چند روز اندیشه و تأمل احتمال دادم که ممکن است وانیل موجود در
ویفر در این آزمایش مداخله کند، این موضوع بعد از خرید وانیل و انجام
آزمایش‌ها بر اینجانب ثابت شد. اگرچه گزارشی که در این زمینه برای مقامات
بالادستی فرستاده بودم به هیچ وجه مورد استقبال آن‌ها به هر دلیل قرار
نگرفت اما این یافته علمی و با اهمیت مرا بر آن داشت که در سال ۱۳۵۹ در

کتاب بهداشت و تغذیه صفحه ۳۹۶ و در جزوات درسی آزمایش‌های مواد غذایی رشته‌های تغذیه و علوم بهداشتی در سال‌های بعد به این یافته اشاره کنم. یکی از درس‌هایی که از این مطلب می‌توان آموخت اکتفاء نکردن به یک آزمایش بلکه انجام آزمایش‌های دیگر بخصوص از همان آغاز، آزمایش‌های ارگانولپتیک است.

موضوع دوم: در سال ۱۳۴۸ از همکاری که مسؤول آزمایشگاه تشخیص طبی شده بود شنیدم فلان شخص که انسان شریف و محترمی بود به بیماری ناشی از بی‌بند و باری جنسی (سیفلیس) مبتلا است زیرا آزمایش V.D.R.L ایشان که اتفاقاً انجام شده بود مثبت است. سخنان اینجانب در این‌که احتمال دارد اشتباهی صورت گرفته باشد بی‌فایده بود و آبروی آن مرد شریف بر خلاف اصول ابتدایی اخلاق پزشکی احتمالاً با تکرار این خبر توسط مسؤول مذکور خدشه‌دار شده بود. حدود ۷ سال بعد مقاله‌ای منتشر شد مبنی بر اینکه در شرایط شدت بیماری بروسلوز (تب مالت)، آزمایش V.D.R.L بطور متقاطع مثبت می‌شود و این در حالی بود که پس از سال‌ها به این یقین رسیدم که آن مرد شریف که برای تشخیص بیماری خود که مشکوک به تب مالت بود، گناهی مرتکب نشده بود لیکن روش آن مسؤول آزمایشگاه که او هم مثل من سپاهی بهداشت بود به آبروی آبرومندی آسیب رساند. اگر او به جای حسن ظن و یا لاقط سکوت، این اصل رازداری را مراعات می‌کرد، آبرو ریزی صورت نمی‌گرفت. اینجانب در طول سالیان متمادی در درس اخلاق پزشکی به نقل این داستان حقیقی اشاره کرده‌ام و گمان می‌کنم بر آن فوایدی مترتب باشد.